



<http://www.arianafghanistan.com>



۲۰۱۸/۱۲/۰۵



هارون یوسفی

مصلحت



مثل کودک بر سر هر چیز دعا می کنیم
خویشتن را ریشخندِ خلق دنیا می کنیم
کار اصلی من و تو، ریدن است و ریدن است
بوی او با چوبک بیگانه بالا می کنیم
میهن ما مرکز فسق و فساد و وحشت است
خورد و بُرد و خوگری در سطح بالا می کنیم
روز آزادی ما در جنتری گم گشته است
هر یکی دو ماه اما جشن برپا می کنیم
رهبان در دامن هر تپه یی خُسپیده اند
میله را از ترس، ما در باغ ماما می کنیم
مشکل ما بیسوادی است و بی فرهنگی است
بیجهت در گفتِ هر چلی و ملا می کنیم
اختیار از خود نداریم ای برادر جان و لیک
آرزوی قبضه آن پار دریا می کنیم
جنگهای ما همیشه جنگهای زرگریست
یکدگر را میزینیم و هم «دلآسا» می کنیم

گوز ما را می گشد بالا شدن تا بام ما

صحبت از به ماه و فکر «NASA» رفتن می کنیم

ری نزن ای هموطن، خیلِ خزان گم میشوند

راه خود را بی خر و گوساله پیدا می کنیم

هارون یوسفی - لندن، ۴ سپتمبر ۲۰۱۸



تذکر:

هرگاه خوانندگان محترم متمایل باشند که نبشته ها و مطالب دیگری از این نویسنده را مطالعه کنند، می توانند با اجرای "کلیک" بر عکس نویسنده در صفحه مقالات، به فهرست "آرشیف" شان رهنمائی شوند!



مصیبت

[Yousofi_haroon_mossibat.pdf](#)